

ساعت بساعت برمی آمدند^۱ - مرتضیٰ خان مرحوم با جمعیت سه هزار سوار و راجه رامداس با جمعیت دو بیست نفر راجپوت برچپی غیر چوبی در دست مدام حاضر می بودند^۲ - و چوپر بازی میل تمام داشت گاه گاهی تا دوسه روز و شب بازی چوپر قایم بود - اگر می برد به اهل مجلس می بخشید و بغایت محظوظ می شد و اگر پائے میداد نهایت بے دماغی میکرد و دشنام به بازندها می داد - خصوص یاری که از طرف او پاسه می انداخت اگر بموافق مطلب نمی انداخت دشنام چه که معامله به مشت و لکد میرسید و اگر خورد موافق مدعا پاسه نمی انداخت دست هائے خود بر زمین میزد و خود را دشنام کریه میداد - و در بیماری حضرت عرش آشیانی که خان اعظم و راجه مانسنگه می خواستند که سلطان خسرو را بادشاه سازند راجه رامداس بر جمیع کار خانجات بادشاهی مردم معتبر خود را نگاه داشته که هر دو بزرگ نتوانستند دست تصرف بخزانہ دراز کرد - تا دم واپسین در خدمت حضرت عرش آشیانی او حاضر بود و در زبان حضرت جنت مکانی^۳ بمرتبه امرای و منصب پنجمزاری و خطاب راجه کرن رسید - و همراه عبدالله خان فیروز جنگ به مهم دکن تعیین شد و براه ناسک در ملک دکن در آمدند و کار ناساخته هزیمت خوردند - حضرت جنت مکانی در روی دیوان

1 In MS. B می برآمدند

2 In MS. B برچپی در دست چوکی

3 In MS. B جهانگیری

غیر چوکی مدام حاضر می بودند

در حق راجہ رامداس دعائے بد کردند و او را بہ مہم بنگش تعین فرمودند۔ در همان سال همان جا در گذشت۔ آنحضرت فرمودند کہ در مذہب ہنود مقرر است کہ ہر کہ از آب سندہ گذشتہ بمیرد جہنمی است دعائے من در حق او مستجاب شد۔ در امکانہ ہلال آباد پانزدہ عورت و بیست خدمتگار مذکور^۱ ہمراہ چیرہ اوستی شدند۔ مسود این مجموعہ شیخ فرید بہکری در تفرج سستی ہا حاضر بود۔ و دیشب نراین پسرش بمنصب عالی رسید و نقلید پدر در ہر باب چند روز می کرد۔ دو گذشت۔ حالا از نسل او کسے نیست۔ بدی باپ سے ہوت ہیں بدی باپ کے ہوت۔

فریدوں خان برلاس

از امرائے کبار حضرت عرش آشیانی بود۔ و در عہد جنت مگانی بہ مہم رانا تعین شد۔ حضرت حذیو زماں آراستہ درگاہ سبحانی صاحبقران^۲ ثانی، او را در تہانہ جہالونہ کہ آب آنجا ناگوار و بد ہضم و مضر بود تعین نمودند۔ اتفاقاً مشارالیہ معجونے ساختہ بود۔ فی الفور از خوردن آن مریض صحت می یافت تا آنکہ مشارالیہ بہ این مرض مبتلا گشت۔ ہر چند معجون خورد، فائدہ مند نشد۔ از آنجا برخاستہ بہ تہانہ شاہاباد منہار^۳ رسید و در آنجا در گذشت۔ میر بزرگ نبیرہ یادگار گذاشت کہ نواسہ نواب سعید خان چغتہ

1 In MS. B خدمتگار مذکور

2 In MS. B آراستہ درگاہ سبحان

3 In MS. B شاہ آباد منہار

صاحبقران

بود - مشار الیه از فرط شراب در جوانی درگذشت - حالا از اولاد آنها نشانی نیست -

میر حسام الدین

یزنه شیخ ابوالفضل علامی بود - هزاری منصب داشت - تعینات دکن شد ، صحبت باخان خانان مرزا خان بغایت برار کرد - مصاحب ایشان بود ولوله شوق محبت الهی دامنگیر شاه شد - با خان خانان ظاهر کرد که اگر احرام مکه مبارکه می بندم چرا نمی گذارید - اگر ترک دنیا می کنم خلاصی نیست - من ازین ناکاره آمده ام - چنین مصلحت بخاطر من رسیده که خود را بدیوانگی زنم و شما بدرگاه عرضداشت نمائید و ما را بحضرت دهلی فرستید تا بر سر مقبره منور معطر مقدس حضرت سلطان المشایخ باقی عمر را بسر برم - خان خانان هر چند به عجز و الحاح نصیحت کرد فائده مند نشد - مشار الیه صبح آن شب عربان شده گل دلای بر بدن مالیده در کوچه و بازار میگشت خان خانان جمله امرا ایشان را به اعزاز و احترام بمنزل خود بردند - و زبان بموعظه کشودند^۱ - و خود بجوابی نمی پرداخت تا آنکه این خبر بسمع شریف همایون از عریضه خان خانان بوجه احسن رسید - مرزا را رخصت گوشه انزوا در دهلی دادند مشار الیه در آن دیار منزوی گشت و سی سال زندگانی یافت - دوازده هزار

¹ می کشودند In MS. B

روپیہ بہ خرچ خانقاہ ایشان ہر سال خان خانان مرزا خان بلاناغہ
میرسانید تا آنکہ در دہلی لبیک حق را اجابت گفت۔ رحمتہ اللہ علیہ۔
مرزا از نیکان روزگار بود از علم بہرہ داشت۔ بعد از ترک دنیا
کتبہا را بر طاق نہادہ بنماز و روزہ و ذکر قیام داشت۔ منکوحہ
ایشان کہ ہمیشہ شیخ ابوالفضل بود بزرگی برادر را بے وقردانستہ
با شوہر خود ساخت و ترک اختلاط برادران نمود و ہر چہ زیور و
نقد و جنس در بساط داشت بہ فرمودہ شاہ حسام الدین خیرات
بدرویشان دہلی کرد، المفلس فی امان اللہ ماند ہر دو
در گذشتند۔

حکیم علی

از اعظم حکمای ہند بود۔ در ہدایت حال از ولایت بہ کمال بے
سرو سامانی^۱ بہند رسید و حضرت عرش آشیانی جوہر اورا دیدہ تربیت
کردہ، بمنصب سہ ہزاری رسید و مقرب الحضرت و ندیم و مصاحب
حضرت گشت۔ و در خلا و ملا رفیق آنحضرت بود۔ اتفاقاً حضرت عرش
آشیانی از سبب امتحان بصارت و نظارت و حکمت او در بعضے
قارورہ بول مریض و بعضے بول مردم تندرست و در برخے بول دواب
متعددہ و در چندے بول مخلوط کردہ بنظر حکیم آوردند۔ حکیم
این ہمہ را قرار واقعی نشان داد و این معنی باعث مزید قرب و
اختصاص حکیم گردید۔ اتفاقاً حوضے در خانہ پر از آب کردہ
زیر آن حوض خانہ بس با تکلف با فروش لطیف و رخت پارچہ پوشیدنی

¹ بے سامانی In MS. B

بجهت خوابگاه و طعام حاضری و کتب هائی نفیس در طاقها
 نهاده حضرت شاهنشاهی را همراه خود در آن قلاب غوطه زده در آن
 خانه برده آنحضرت رخت پاک پوشیده و عطریات مالیده و حاضری
 خورده - و ملاحظه کتبها نموده^۱ ساعتی استراحت کرده باز لنگ
 پوشیده باحکیم علی سر از آن حوض برآوردند - این معنی باعث
 تعجب عالمیان گردید - قرب و حالت حکیم یکه در صد شد -
 علاج بیماران نوعی میکرد که حیرت خلائق گشته بدلائل عقلی
 راست نمی آید - چون حضرت خلیفه الهی^۲ بیماری را اطلاق روی
 داد تمامی اطباء و حکما^۳ در علاج آن قاصر^۳ ماندند - حضرت
 شاهنشاهی از روئے عتاب دو تکه^۴ بجانب حکیم علی انداخته
 فرمودند که تو پساری ولایت بودی ، آن احوال افلاس در هند
 آمدی ، پائے تا به غریبی را درینجا دور کرده - خوانین عمده از
 بهر این ساخته که بوقت صعب بکار آید - حالا چرا علاج مرض ما
 نمیکند - حکیم یک هوری دارو را در کوزه آب انداخت - همه آب
 بسته شد - عرض کرد که این قسم دوا موجود است اماچه فائده که
 بر آن حضرت کارگر نمی شود - فرمودند که آنچه مشیت الله - می شود^۵ -
 فی الحال حکم شکم بند شد و درد بیحد رو داد - حضرت شاهنشاهی

1 ملا کتبها نموده In MS. B

2 چون حضرت شاهنشاهی را In MS. B 3 عاجز In MS. B

4 دو تکه In MS. B

5 آنچه مشیت الله است In MS. B

فرمودند کہ ازین بند شکم^۱ کہ درد نسیت - حکیم پوری دیگر داد و باز شکم روان شد^۲ و مرض اطلاق زیادتی کرد - چنانچه از آن مرض در گذشتند حکیم علی را حضرت جنت مکانی بعد از جلوس همایون^۳ عتاب کردند کہ به آن حضرت چرا اجازت تربز خوردن دادی - آخر حکیم ہم در آن ایام در گذشت -

حکیم شفائی

از حکمائے معتبر ولایت بود - چون بہند آمد ترقی بسیار کرد و مریم مکانی والدہ حضرت عرش آشیانی کہ از اولاد حضرت زندہ فیل احمد جام بود آن صالحہ را بیماری متضادہ متعددہ روئے دادہ - حکیم را بجهتہ معالجہ و دوا حکم شد - حکیم حکمت ہای خود را بکار برد - حکیم علی الاطلاق غالب آمد - آن مخدرہ عصمت وفات یافت - حضرت شاہنشاهی را از وفاتش بغایت حزن روئے داد و با حکیم عتاب نمود - حکیم کہ شاعر بود درین باب قصیدہ انشا کردہ بعرض همایون رسانید چند بیت از آن بہ تحریر^۴ آوردہ^۵ حضرت را این قصیدہ در مقام عنایت آوردہ - فرمودند دور شو - بداہتہ^۶ عرض کرد کہ روئے زمین تو گرفتہ کجا بروم بکش

1 Lacuna in both MSS.

2 In MS. B روان

3 In MS. B حکیم علی را بعد از حضرت جنت مکانی بعد از جلوس

4 In MS. B از آن تحریر آوردہ

همایون -

5 Lacuna in both MSS.

زمین بروم - حضرت شهنشاهی را این ادا خوب آمد - تقصیر او را معاف فرمودند -

میان گدا کلال

در قوم کلالان مردی معتبر گذشته - خدمت دروازه محل و کثرت خاص و عام و غسل خانه تعلق به او بوده - بعد گذشت او سربراه خان پسرش سردار قوم و قبیلہ خود به از پدر شد - ملا مٹی پسر کلالانش، از علم و شعر بهره داشت - مٹی تخلص میگرد^۱ شعر متین می گفت - بمنصب فاخره رسیده - بخشی عسکر^۲ فیروزی اثر که به تعاقب دلپت ولد رائے رائے سنگه بهرتیه تعین بود گردیده - نامی به عزت و آبرو بر آورده - بعد مزاجش راقی و صاعد باودج الحمل(?) شد - ترک منصب و جاگیر نموده منزوی گشت - میان لاد برادرش چنان خدمت درگاه حضرت جهانگیری نموده که خطاب حاضر خانی یافت و خوانین عظام کرام از سلوک و معاش او راضی بودند - او را سید کلالان میگفتند - بعد میان سهیل کلال خویش سربراه خان بهر صبه آمد و در سفر کابل برکاب حضرت صاحبقران ثانی همراه بود - از اسپ اقتاده جان داد - پسرانش و خویشان جمع کثیر مانده اند اما به مرتبه اب و جد نیستند -

۱ In MS. B می آورد

۲ عساکر In MS. B

شیخ میان بختیار

ساکن چندوار از امرائے کبار حضرت عرش آشیانی بوده - بی بی گوهر خانم همشیره او محل خاص آنحضرت گشته و به غایت منظور نظر گردیده - سر آمد جمیع محلهای آنحضرت گشته - و شیخ جمال بسبب قرب همشیره و قابلیت خود بمنصب عالی رسید - قوم بختیار و عالمی از و به فیض رسیده^۱ هنوز از نسل آنها جمعے کثیر در چندوار و جلیسه حی و قایم اند - مشار الیه اول در حسن دوم در استعداد و قابلیت تمام جوهر بود - قبیلہ پروری بروختم شده - به اجل طبعی در گذشت -

شیخ عبدالله

ولد مرحومی حضرت میان شیخ محمد غوث نور الله مرقدہ آنحضرت در زمان حضرت عرش آشیانی نه لک روپیه جاگیر داشتند - چهل فیل در فوج ایشان می رفت - بعد از وصال آنحضرت ولد ارشد ایشان بمنصب سه هزاری رسید - صاحب جمعیت و با تردد در علم دعوت قرینه پدر بوده زندگانی کمتر یافت - و درگذشت -

1 In MS. B به ظهور رسید

خواجده بیگ مرزا

شجاعت و سخاوت و جمعیت خوب داشت - مدتی پرگنه آنکوله برار و ایلچپور در جاگیر داشت - و باز در احمدنگر متمادی ایام گذرانید و در عهد حضرت عرش آشیانی وفات یافت - هما جا دفنش کردند - لا ولد بود - اما اولاد برادران و خویشان بسیار گذاشت -

میر محمد خان اتکه

که پنهان کلان اشتهار دارد برادر بزرگ خان اعظم است - پنجهزاری منصب داشت و بمرتبہ اسیرالامرای رسید -

مطلب خان

پسر شاه بداغ خان منصب سه هزاری داشت -

قبا خان

دو هزاری بود -

اشاريه

فہرست اسماء الرجال

۱

	۰۲۶	ابراہیم (اوزہک)
۸۹	۴۸۸	ابراہیم حسین (خواجہ)
۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۳	۴۹۳	ابراہیم حسین، مرزا
۲۱۳، ۱۵۷، ۱۲۱، ۱۱۵		
۱۳۳	۴۵۲	ابراہیم خان (فتح جنگ)
	۲۳۲	ابراہیم سلطان
	۶۳	ابوتراب (شیخ)
	۲۱۳	ابوتراب، میر
	۶۳	ابوالبرکات (شیخ)
	۲۰۰	ابوالبقا (مرزا)
		ابوالحسن تربتی
	۱۷۳، ۱۶۳	(خواجہ دیوان)
	۶۳	ابوالخیر (شیخ)
	۱۷۱	ابوزید ادیماق
۱۹۵، ۱۸۳، ۱۶۰، ۱۵۹		ابوالفتح (حکیم)
	۲۰۱	اسحاق، شیخ، میان، فاروقی
	۲۲۵، ۲۲۳	ابوطالب
	۳۱	ابولفتح (میر)

ابوالفضل (شیخ علامی) ۱۳۵ ، ۱۳۴ ، ۱۳۷ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰

۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶

۲۱۷

ابولفضل گازرونی (خطیب) ۱۳۴

ابوالقاسم (پسر سید صفائی) ۲۰۰ ، ۲۰۱

ابوالقاسم، میر (ولد سید

محمد میر عدل)

۲۳۳

ابوالقاسم نمکین، میر ۱۳۴ ، ۱۹۲

ابوالمظفر (پسر اشرف خان میر) ۲۳۳

ابوالمظفر (مرزا)

۳۳

ابوالمعالی قادری

(میان شاه سید)

۱۳۱ ، ۱۴۹ ، ۱۴۸ ، ۱۴۷ ، ۱۴۶

ابہنگ خان

۳۱ ، ۳۰

اتکہ خان

۲۱۰

اجے رام دکنی

۲۱۷

احمد بیگ (دیوان)

۷۸ ، ۱۶

احمد خان نیازی

(ابن محمد خان نیازی)

۱۶۳ ، ۱۶۱

احمد مجتبیٰ

۱

اختیار خان (خواجہ)

۱۹۰

اختیارالملک گجراتی

۱۱۸ ، ۱۱۶ ، ۱۱۵ ، ۹۳

۲۱۳ ، ۱۶۱ ، ۱۲۰

انخلاص خان (خواجہ سرا) ۱۱۶،
آدم صفی اللہ ۱۷۵

ادھم خان (کوکہ امیرالامرا) ۸۰، ۱۵، ۸۷، ۹۸، ۱۱۰،

۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹،

۱۳۵، ۱۶۶، ۱۶۷،

۳۹ اسد خان

۲۳۳، ۲۱۹ اسکرن راجہ

۳۱ اسفندیار

۱۱۲ اسکندر مرزا

۲۲۳ اسلام خان چشتی فاروقی

۲۱۳ اسماعیل سلطان

۱۷ اسمعیل قلی بیگ

اسمعیل قلی خان

۲۱۳ (برادر خان جہاں)

۲۰۷ اسیراج بقال

۲۳۳، ۲۱۱ اشرف خان میر منشی

۲۹، ۲۸ آصف خان (عبدالمجید)

۱۸۹، ۹۰، ۱۱۰، ۱۸۲ آصف خان (نواب)

۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹

۱۹۰ اعتبار خان

		اعتاد خان گجراتی
		(حاکم گجرات)
۲۱۳	، ۱۳۹	
	۲۱۶	اعتاد خان خواجہ سرا
۱۳۷	، ۲۲۳	اعتادالدولہ (نواب)
	، ۱۳۳	
	، ۹۳	
	۲۱	آقا خان (خزانچی)
	۱۸۷	آقا ملای
		اکبر محمد بادشاہ غازی
		جلال الدنیا والدین
۱۸۰	، ۱۲	
	۳۹	اکرم خان
	۲۱۳	الغ خان چشتی
	۱۱۲	الغ مرزا
	۱۵۸	الہ وردی (خان نواب)
	۶۲	امیر علی شیر
	۱۹۶	امین الدین (میر)
	۱۳۱	امیر بیگ
	۲۶	، ۲۵
	۱۱۵	امین خان (حاکم جونا گڑھ)
	۲۰۳	امین الملک
	۶۳	اوتہم چند
	۲۲۹	اویسی راجہ
	۹۱۱	اویس مرزا

	۱۱۶	،۹۳	ایدر راجه
			ایرج مرزا (فرزند عبدالرحیم
	۱۶۲	،۱۰۹	خان خاناں)
		،۳۸	ایشر داس (پسر لون کرن)
		۲۰۹	
			ب
		۶۲	بابا زنبور
	۶۶۱	،۱۳۳	بابر بادشاه غازی
		،۱۱۲	(فردوس مکانی)
	۱۲۶	،۱۲۵	باز بهادر
		،۱۰۲	
		۱۶۵	باز بهادر افغان
		۲۲۳	باز بهادر قلماق داماد مهترخان
		۱۳۲	باسو راجه
		۲۳۵	باقی بیگ سفره چی
			باقی محمد خان کوکه
		۲۱۷	(برادر ادھم خان)
		۷۸	باقی خان قاقشال
		۲۰۵	بال دیو (راجہ)
		۱۳۱	بایزید بخاری (سید)
		۶۳	بابو کللال (میان)

				۲۵۳	
			۶۳	۶۳۳	بختیار بیگ
				۲۶	بداغ خان (شاه)
				۱۸۷	بدیع الزمان
				۲۳۰	برکہ سید
					برهان الملک
			۵۳	۶۳۹	(خسر داراب خان)
	۱۵۰	۶۸۹	۶۵۳	۶۳۸	بکرماجیت (راجہ)
				۵۹	بلدھر کچھواہہ
			۳۶	۶۳۳	بہاؤالدین بخاری (سید)
	۶۳۰	۶۲۹	۶۲۸	۶۲۷	بہادر خان
			۱۷۰	۱۱۲۳	
				۳۷	بہادر خان ترین
				۱۰۳	بہارامل (راجہ)
				۱۷۰	بہکری بیگم
	۱۸۶	۱۰۶	۱۰۵	۱۰۳	بہگوانداس (راجہ)
				۹۹	بہرام مرزا
				۲۱۹	بہارامل راجہ
				۵۹	بہوہ میان، سید
				۳۳	بہیکن شاہ
				۲۳۷	بی بی کشنا

۲۵۵

بیر سنگدیو بندیلہ (لالہ)

۱۸۲ ۱۷۳

بیرم بیگ بخششی

۵۱ ۱۵۰ ۱۳۹

بیرام خان نواب، خان خانان

۱۱۵ ۱۱۴ ۱۱۳ ۱۱۲ ۱۱۱

۱۱۹ ۱۱۸ ۱۱۷ ۱۱۶

۱۳۱ ۱۳۳ ۱۳۲ ۱۳۰

۱۷۷ ۱۶۲ ۱۵۳ ۱۳۲

۱۸۱ ۱۷۶ ۱۰۲ ۱۰۱

۲۲۲ ۲۱۸ ۲۱۲ ۲۱۱

۲۲۶

بیربر راجہ

۱۸۳ ۱۸۲ ۱۲۳ ۱۱۹

پ

پائندہ مغول

۲۲۱

پہاڑ خان خاصہ خیل

۲۲۶

پیر محمد خان شیروانی (ملا)

۱۰۱ ۱۱۶ ۱۱۵ ۱۱۳ ۱۱۳

۱۲۵ ۱۰۲

پشنگ

۱۲

پرویز (سلطان)

۱۵۱ ۱۵۰ ۱۳۹ ۱۳۸ ۱۳۶

۱۸۷ ۱۷۳ ۱۵۳ ۱۵۲

۲۰۸ ۲۰۵

ت

قاش بیگ محمد صالح

۱۸۳

تردی بیگ

۲۱۰

۲۵۶	
۷۸	تردی محمد خاں
۹۹	ترخانیاں (قوم)
۲۱۱	ترسون محمد خاں
۲۳۱	تکو خاں (قصہ خوان)
۲۳۲	تور خاں
۳۳	تودر مل (راجہ)
۱۰۵	
۱۲	
۲۱۲	۱۸۷
	تیمور گوگانی (امیر
۲۱۶	۱۹۳
۱۷۶	صاحب قران)
	ث
۲۳۰	ثانی خاں
	ج
۱۳۱	جلال بخاری، سید
۱۳۹	۱۳۸
	جمال (حاجی)
۵۲	۵۳
	جانان بیگم (دختر
	عبدالرحیم خاں خاناں)
۱۹۶	۳۳
	جانن خاں بہادر
	جانی بیگ ترخان مرزا
۳۹	۳۸
۳۷	۳۶
۳۵	
۱۰۰	۱۶
۱۷۸	۱۷۶
۲۱۵	۱۷۳

۲۵۷	
۲۱۹	ججہار خان
۴۵	جسونت رائے
۱۰۶	جگت سنگھ
۲۳۰	جگت سنگھ راجہ
۲۱۹	جگناتھ راجہ
۱۸۳	جے چند راجہ
۲۲۲	جلال خان
۱۷	جمال خان
۲۳۲	جمال خان (قورچی)
۱۳۰	جمال الدین حسین انجو، میر
۸۵	
۸۳	
۳۹	
۲۳۷	
۱۹۷	
۱۹۶	
۱۳۱	
	جعفر خان ترکمان
۲۳۳	(بن قزاق خان)
۲۰۷	جعفر خان ولد صادق خان
۷۸	جوجک بیگم
	جہانگیر (بادشاہ)
	(دیکھئے شہزادہ میلیم)
	چ
۳۱	چاند بی بی
۱۹۲	چتر بھوج
۱۱۳	چنگیز خان (حاکم گجرات)
۲۳۱	چہچو بارہہ، سید

ح

۱۵۳	حاجی خاں بدخشی
۲۱۳	حامد بخاری، سید
	حسام الدین (پسر میر ابوالقاسم
۲۰۰	خاں)
۲۰۰	حسام الدین، مرزا
۱۵۶	حسام الدین (مرتضی خاں)
	حسام الدین (میر پسر میر
۶۲	جمال الدین حسین انجو)
۱۷۱	حسن بیگ، شیخ
۱۸۳، ۱۲۹، ۱۲۲، ۳۳۳، ۱۱۱	حسن بیگ بدخشی
۱۳۶، ۱۳۵	
۱۹۷	حسن بیگ
۷۸	حسن خاں
۲۳۰	حسن خاں، مرزا
۳۶	حسن علی عرب
۱۱۱	حسن مرزا (سلطان)
۲۲۷	حسین خاں پنی افغان
۲۲۱	حسین خاں تکریه
۲۳۰	حسین خاں، سلطان

۲۵۹	
۱۵	حسین قلی بیگ
۲۲۸	حسن قلی خان، خان جهان
۹۹	حسین مرزا (سلطان)
۲۳۵	حکیم، مرزا
۲۳۵	حکیم شفائی
۲۳۵ ، ۲۳۳ ، ۲۳۳	حکیم علی
۱۸۵	حکیم الملک
	حیات خان (برادر مرزا
۲۳۰	حسن خان)
۶۱	حیاتی (ملا)
۲۳۶ ، ۲۳۵	حیدر
۷۸	حیدر قاسم
۲۱۲	حیدر محمد
	خ
۱۲۹	خان بابا
۲۳۶ ، ۲۳۵ ، ۲۰۷	خاندوران کابلی
۲۳۳	خان کلان
۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰	خان زمان (علی قلی)
۱۷۰ ، ۱۲۳ ، ۹۳	

خان جهان لودی نواب

(حاکم پنجاب)

۲۲، ۲۵، ۳۶، ۳۷، ۵۷

۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۰۹، ۱۱۰

۱۵۳، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۹

۲۱۳

۲۱۳، ۳۹

خان عالم

۱۱۹

خان کلان مرزا

۲۲۶

خداوند خان

۱۹۰، ۱۰۰

خسرو خان چرکس (وکیل)

۱۸، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۹

خسرو (شہزادہ سلطان)

۹۱، ۹۲، ۹۷، ۱۰۵، ۱۲۷

۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱

۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵

۱۳۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۴۰

۲۰۹

خضر خواجہ خان

خضر آقا (وکیل) عبدالرحیم

۳۳

خان

۳۳

خضر خان لودھی (میان)

۲۲۹

خنجر بیگ چغتائی

۲۶۱

۲۳۸

خواجہ بیگ مرزا

خواجہ جہاں خراسانی

۲۱۹

(امین الدین)

۷۹

خواجہ احرار (عبدالله)

۱۸۳

خواجہ عرب (بخشی لشکر)

۱۲۸

خورم (سلطان)

د

داراب خان (مرزا پسر

خان خاناں)

۴۵۳ ۴۵۲ ۴۵۱ ۴۳۹ ۴۳۸

۱۰۹ ۴۶۲ ۴۵۳

۲۱۳ ۴۱۹۸ ۴۲۵ ۴۲۴

داؤد افغان

۷۵ ۴۳۵ ۴۲۲

دانشا (دانیال شاہزادہ)

داور بخش (سلطان، پسر

۹۱

سلطان خسرو)

۲۳۱

دربار خان (پسر تکلو خان)

۱۶۶

درگاوتی رانی

۹۳ ۴۹۶

درگداس (رائے)

۱۶

درویش بیگ

۲۱۸

درویش محمد اوزبک

۱۲۹

دریا خان (پسر ابشر داس)

۲۶۲

دلوت (پسر رائے سنگھ

بہرتیہ)

۲۳۶ ، ۲۱۵ ، ۲۳۷ ، ۲۳۶

۱۳۲

دوارکا داس بخشہ

۲۰۶

دوست محمد خواجہ جہاں

۲۳۸ ، ۲۳۷ ، ۲۳۶ ، ۲۳۳ ، ۲۳۲

دولت خان لودی

۱۵۳

دھارو (پسر راجہ تودرمل)

۲۱۲ ، ۲۳۷ ، ۲۳۳

۱۸۳

دھیر دھر راجہ

۲۳۱

دیش نرائے

ذ

۱۷۷

ذوالنون میر

)

راجہ علیخان فاروقی

۱۲۱ ، ۱۹۷ ، ۱۳۳

حاکم (آسیر)

۱۳۷ راجی سید مبارک مانک پوری

۱۷۵ ، ۱۷۳

رام چندر راجہ

۲۳۹ ، ۲۳۸ ، ۱۹۱ ، ۱۳۷ ، ۱۶۳

رام داس کچھواہہ، راجہ

۱۳۱

۲۳۳ رام سنگھ (پسر راجہ اسٹرون)

۲۳۱ ، ۲۳۰ ، ۱۵۷ ، ۱۵۶ ، ۱۵۵

رانا سانگا